

بنياد فرهنگي كهزاد

ابدات عصر تيموري افغانستان

نويسنده: رابرت بايرن
Robert Bayern

مترجم: احمد علي كهزاد

اقتباس و ترجمه از كتاب «سومين كنگره بين المللي آرت و باستان شناسي ايراني»، ليننگراد، 1935

ابدات عصر تیموری افغانستان

نویسنده: رابرت بایرن

مترجم: احمد علی کهزاد

ابدات دوره های اسلامی که در خاک افغانستان دیده میشود از نقطه نظر تاریخ از قرن یازده تا قرن شانزده مسیحی را در بر میگیرد. اگرچه مرام اصلی ما در اینجا مطالعه ابدات عصر تیموری افغانستان و مخصوصاً آثار هرات است، معذالک اول بصورت مقدمه و ایجاز از بعضی عمرانات با شکوهی صحبت میکنیم که محصول قرن یازده یعنی دوره اول عروج هنر، صنعت و عمران غزنی میباشد.

در میان ابدات معروف غزنی اول از همه مناره هائی که قاعده و تهداب آن بشکل ستاره است و آنها را معمولاً در قرن اخیر «مناره های فتح» خوانند، قابل تذکار است.

در غزنی دو مناره موجود است که در ظاهر امر هر دو مشابه هم اند ولی در حقیقت یکی نسبت به دیگری از نقطه نظر حجم و تزئینات برتری دارد. مناره خوردتر به امر سلطان محمود ابن سبکتگین در اوائل قرن 11 اعمار شده. مناره عریضتر که دارای تزئینات مفصل تر میباشد، به امر و اراده سلطان مسعود سوم تقریباً 90 سال بعدتر از مناره اول الذکر آباد گردیده است.⁽¹⁾

اروپائی ها این مناره ها را بار اول در نیمه اول قرن 19 شناختند و بار اول سیاح انگلیسی موسوم به «وین Vigne» از این برج ها که قاعده آن بشکل ستاره است، رسمی بعمل آورد. قراریکه رسم های سیاح مذکور نشان میدهد به اندازه ارتفاع قسمت رخدار، برج ها حصه استوانه ئی هم داشت. چون رسم های «وین» از فاصله دوری بعمل آمده بود، جزئیات را نشان داده نمیتوانست. معذالک از روی یک قطعه عکس قدیمه که در کابل میباشد، معلوم میشود که مناره مسعود در قسمت های رخدار خود بطور متناوب دارای حصص چقور و هموار بوده و قسمت بالای آن حصه های گچکاری با نوشته ها و کتیبه های کوفی داشته است. هنگامیکه این عکس برداشته شد مناره محتملاً 140 فت [42.7 متر] بلندی داشت. از روی رسم «وین» معلوم میشود که مناره دیگر یعنی مناره محمود هم بهمین اندازه بود.

شکل و تیپ این مناره ها مخصوص به خود شان است، معذالک قرار اطلاعی که در دست است بدین نمونه مناری در هرات هم دیده شده که یک قسمت آن هشت ضلعی و رخدار و قسمت فوقانی آن استوانه ئی شکل بود چنانکه «خانیکوف Khanikov» در

1858 در «شیروان»، بطرف شرق هرات، چنین مناره ئی را دیده و در باب آن مینویسد: "میناری به ارتفاع 29 متر در شیروان، مشرق هرات وجود دارد که یک قسمت آن رده های عمودی دارد و قاعده آن هشت ضلعی است." این مناره مشابهتی با مناره های غزنی داشت. فعلاً از برج هائیکه قاعده آن بشکل ستاره است فقط یکی در «خواجه عالم» اصفهان است که در حوالی 803 هجری (1400 م.) بنا یافته و قاعده آن عوض اینکه بشکل هشت ستاره باشد، بصورت دوازده ستاره میباشد. این مناره هم در بهار سال گذشته افتاد و از بین رفت.

خارج از علاقه شهر غزنی موجوده در دهکده ئی که بنام «روضه» شهرت دارد، مقبره و آرامگاه سلطان محمود ابن سبکتگین وجود دارد. من راجع به کتیبه این مقبره هیچ یک عقیده ئی ندارم و تاریخ آن حتی نزد «داکتر فلوری Dr. Fleury» متوفا هم مشکوک است. بهر حال نقوش و تزئینات آن بنظر من نماینده قریحه صاف آریائی است و چنین به نظر می آید که قبل از انبساط نفوذ هندی که در مقابر غزنی قرون مابعد تفوق دارد، بمیان آمده است.

وادی هرات که حصه مهم خراسان را تشکیل داده است با رودخانه هریرود آبیاری میشود. راهی که از قندهار و هند به اینطرف می آید، روی پل مالان عبور میکند و این پل را بار اول مقدسی در قرن دهم تذکار داده است. اگرچه هنوز امروز هم این پل پا برجاست ولی آب هر سال گوشه ئی از آنرا از بین برده و میبرد. به این مناسبت از موجودیت اولیه و قدیم آن چیز زیادی باقی نمانده جز موقعیت و شکل پایه ها که چندان تغییری نکرده است. خوند میر در قرن پانزده متذکر شده است که پل مالان 28 کمان داشت. این پل حالا 26 کمان دارد و مانند اغلب پل های قدیمه پایه های آن دو خط رفت و آمد را بکمال خوبی استوار نگهداشته است.

هرات شهری است مربع و سه قطار دیوار آنرا احاطه کرده و مانند شهر قسطنطنیه دورادور آن خندق است. در وسط شهر مسجدی است معروف به «مسجد جامع» که حیاط آن صد یارد [91.4 متر] طول و 65 یارد [59.4 متر] عرض دارد. به چهار دور حیاط مسجد قطار کمان های رواق ها دیده میشود و تا اندازه که از روی عکس قضاوت میتوانم به رواق های مسجد کلان بخارا شباهت بهم میرساند. قرار تذکار معین الدین اسفزاری مسجد جامع هرات را سلطان غیاث الدین محمد ابن سام غوری در سال 597 هجری مطابق (1200 م.) بنا نهاد و هنوز هم کتیبه کوفی در ین مسجد است که سبک نگارش آن به عصر بانی مسجد موافقت میکند. خود سلطان غیاث الدین هم در مقبره ئی که به مسجد جامع متصل و پیوست است، دفن میباشد. مقبره او را بعداً ملکان کرت قرن در 14 مجدداً تزهین کرده اند. کتیبه ئی به خط نسخ از ین عصر بیادگار مانده و دارای عناوینی است که معمولاً ایل خان «اولجیتو» و «ابو سعید» امرای مطیع دودمان کرت استعمال میکردند. سلاله کرت حتی در ایوان عمده مسجد جامع هم تزهیناتی از خود بیادگار گذاشته اند. پایانتز از آخرین مرمت کاری های این مسجد صحبت میکنیم که در عصر تیموری ها بعمل آمده است.

قشون تیمور هرات را در 783 هجری (1381 م.) متصرف شد و چهارمین نواسه او شاهرخ در 796 هجری (1396 م.) به حکمرانی خراسان نایل گردید. بدین قرار مشارالیه اول محض حکمران ولایت هرات و متعاقباً حکمفرمای امپراطوری وسیعی شد و پنجاه سال تمام را به این منوال گذرانید و در مدت زیاد این دوره پسرش الغ بیگ در سمرقند حکمرانی میکرد. این دوره را میتوان اولین دوره بزرگ روناسنس تیموری نامید.

ارگ اختیار الدین که در شمال شهر هرات واقع است، بدست ملوک کرت آباد و از طرف تیمور خراب شد. شاهرخ آنرا در 818 هجری (1415 م.) مجدداً آباد کرد و برج زاویه شمال غربی آن که با کاشی های آبی مزین میباشد (اگر چه خشت های آن خام است) احتمالاً یادگاری از ین مرمت کاری های عصر شاهرخ است. در 832 هجری مطابق 1427 م. شاهرخ گذرگاه (گازرگاه) را که در آن مزار حضرت خواجه عبدالله انصاری است، مجدداً آباد کرد. گازرگاه در پای یکی از شاخه های کوه پاروپامیزوس⁽²⁾ تقریباً در حوالی دو میلی شمال شرقی شهر واقع است⁽³⁾. ایوان عمده این مزار که خلاف معمول عوض غرب رخ بطرف شرق است، هفتاد فت (21.3 متر) بلندی دارد و کمانی از رواق تا دم ایوان تماس پیدا کرده است. طرز بنای این ایوان ها که نماینده و ممیزه سبک معماری خراسان است با اکثر احتمالات اصلاً در سیستان بمیان آمده، ترقی کرده و معمول شده است. در تربت «شیخ جام» که میان مشهد و هرات واقع است، ایوان دیگری به این نمونه ها دیده میشود. از احتمال بعید نیست که این ایوان ها و طاقها در سبک معماری مغل های هند تاثیر افکنده باشد. چنین نفوذی در حوالی این وقت در اثر تبادلۀ سفرا بین شاهرخ و امپراطور «دای منگ Dai Ming» توسعه یافته بود. مربوط به این مطلب باید متذکر شوم که یکی از سفرای چینی مقیم هرات ظرف بزرگ مفرغ به شهر اهدا کرده بود که در یکی از مدرسه های داخل شهر موجود است. شبیهه به این ظرف یکی در مسجد جامع است که به دیگ تیمور در ترکستان شباهت تام دارد ولی اندازه آن برابر دو ثلث دیگ اخیر الذکر میباشد.

کسی که از نقطه نظر عمرانات نامش از شاهرخ هم معروفتر شده و دنیا او را بحیث حامی معماران شناخته، عصمت الدین گوهر شاد ملکه شاهرخ است که اسمش را مسجد گوهر شاد مشهد زنده نگهداشته است. کار عمران این مسجد در 821 هجری مطابق 1418 م. به پایان رسید. به این تاریخ بنای عمارت باشکوه تری بنظر می آید که عبارت از مصلی هرات است. چون مخارج این دو بنای مجلل از کیسه شخصی ملکه پرداخته میشود و پول هنگفتی را ایجاب میکرد، فرض کرده میتوانیم که شروع آبادی دومی به اتمام کار اولی مشروط بود. پروژه و نقشه بنای دومی یعنی مصلی هرات هم بدست معمار دربار قوام الدین شیرازی بعمل آمد. آبادی مصلی 20 سال دربر گرفت و در 841 هجری (1437 م.) به اتمام رسید. مصلی دروازه ئی داشت عالی و بلند. حیاط مربعی داشت که اطراف آنرا طاق های دو منزله فراگرفته بود و چهار مینار داشت. در مقابل دروازه بطرف غرب ایوان واحدی ساخته شده بود و عقب آن دو حجره مدور با گنبدی ها وجود داشت. تمام مصلی با کاشی هائی کار شده بود که از هر رهگذر بر تمام آبدات اسلامی رجحان داشت. متصل به ضلع شمالی

مصلی، گوهر شاد مدرسه ئی آباد نموده بود و داخل آنرا برای قبور خاندان شاهی وقف کرده بود.

تمام این بنای عالی در سال 1885 م. به امر امیر عبدالرحمن خان خراب گردید. معذالک پیش از آغاز خرابی یکنفر صاحب منصب انگلیسی موسوم به «لوکیلی Luckily» رسمی از آن برداشته است. در صحنه مقابل این رسم دروازه مدرسه و یکی از دو میناره های مربوطه آن و بطرف راست کمان های طاق های حیاط مدرسه ملاحظه میشود. در عقب ایوان و دو گنبد مصلی جلب نظر میکند.

امروز فقط دو میناره مصلی باقی مانده است. در هر میناره خشت های کاشی آبی تاریک بشکل برش الماس کار شده و فواصل میان آنها با کاشی های سفید پر شده است. قاعده مینار شکوه و زیبایی فوق العاده دارد. در این جا الوان متعدد کار شده و رنگ سبز تیز خیلی ها به قشنگی مینار افزوده است. در شروع قاعده میناره یک سلسله لوایح مرمری است که در آن عناوین شاهی به خط کوفی کنده شده است. از مدرسه تنها میناره ئی باقی مانده که در رسم دیده میشود. کاشی های لوزی در خشت های ساده نقر شده. مقبره ئی که تمام مؤرخین عصر و امپراطور بابر ذکر نموده هنوز پا برجاست. این مقبره باید در حوالی 834 هجری (1430 م.) آباد شده باشد. بایسنغر پسر شاهرخ و ملکه گوهر شاد که در 847 هجری (1443 م.) وفات نمود، در اینجا دفن شدند⁽⁴⁾. ارتفاع مجموعی این بنا 70 فت است و ساختمان گنبد آن از گنبد «گور میر» سمرقند فرق دارد. این گنبد شامل سه سقف میباشد که وسطی آن ساده و به گنبد فوقانی چسبانیده شده. پایان تر گنبد سومی است که با پیش برآمدگی زوایه ها در دیوار های اطراف پیوست و متصل شده و به اصول عجیب طاق ها و محراب های کوچک تزئین یافته و با الوان آبی و سفید و گلابی و غیره منقوش است.

وقتیکه شاهرخ در 851 هجری (1447 م.) وفات کرد، جسدش دو سال در بین مقبره بود تا اینکه الغ بیگ آنرا به بخارا نقل داد. ملکه گوهر شاد اضطراب و پریشانی های زیادی را تا حوالی سن 80 سالگی متحمل شد و آخر از طرف ابوسعید حکمفرمای سمرقند بقتل رسید. مشارالیه و عده ئی از اعضای خانواده او در اینجا دفن شدند و تا قبل از اختتام قرن 19 مقابر آنها تشخیص میشد.⁽⁵⁾ در 1858 زمانیکه «خانیکوف» در هرات بود در بین بنا 9 قبر را ملاحظه نموده بود. در 1858 م. شش قبر دیده میشد و حالا سه قبر بیش نیست و سنگ های روی مزار سیاه و کنده کاری های زیاد دارد. در مجاورت اینجا در هوای آزاد مقبره سنگی ئی دیگری است که بایقرا پسر عمر شیخ پسر تیمور در آن مدفون است.

از یادگارهای دوره ابوسعید یا اقلأ از عمرانات ربع سوم قرن 15 مقبره بزرگ خواجه ابونصر پارسا است که یگانه آبدۀ شهر بلخ میباشد و از نقطه نظر هنر طرف دلچسپی واقع شده میتواند. تاریخ این بنا قراریکه معین کردیم مربوط به ربع سوم قرن 15 است زیرا اینقدر میدانیم که ابو نصر پارسا در 856 هجری (1452 م.) پیر مرد سالخورده ئی شده بود. این عمارت ممیزات عجیبی دارد. کمان طاق از فرق گنبد بلندتر معلوم میشود و از دو جناح کمر طاق برج های بلندی از روی بام های طاق های اطرافی به

هوا بالا شده است. بدو طرف طاق پایه هائی است که شاید و حتی مانند گازرگاه کمائی روی آنها استوار بوده باشد. گنبد شامل گنبد داخلی نیز میباشد و چون آنرا ندیده ام شرح داده نمیتوانم. اطراف قاعده گنبد دوازده دریچه دارد و اضلاع آنها مانند اضلاع کلکین های گنبد گور میر بهم تماس دارند.

خارج شهر بلخ بطرف شرق مقبره خواجه عکاشه دیده میشود. گنبد آن افتاده ولی قاعده و حصه استوانه ئی گنبد هنوز پا برجاست و از کاشی های رنگه کتیبه ئی دارد. نمیدانم که این خواجه عکاشه کی بود؟ حسین بایقرا به این نام سه وزیر داشت و همه از یک بودند. بعد از بیست سال آشوب متوالی در 874 هجری (1469 م.) هرات با حسین بایقرا که از روی خانواده به شاخه عمر شیخ مربوط بود، مجدداً دارای پادشاه مقتدر و منوری شد. مشارالیه تا سال 912 هجری (1506 م.) سلطنت کرد و شکوه مادی و معنوی دوره سلطنت او با قلم بابر و خامه بهزاد معرفی شده است. خارج شهر هرات متصل به منطقه شمالی مصلی، گوهر شاد مدرسه ئی بنا کرد که با مصلی یکجا خراب شد و چهار میناره آن تا بحال باقی است و کاشی کاری های آن در زیبایی و قشنگی از میناره های مصلی گوهر شاد بهترتر است. آبی روشن با گل ها و تقسیمات صلیب نما با خطوط شبکه کاری سفید در آنها مرئی است.

در زمان سلطان سنجر در قرن 13 م. راپوری از منابع هندی به بلخ رسید که مقبره حضرت علی (رض)، خلیفه چهارم، در مجاورت اینجا است. فوراً گنبد و عمارتی در این جا آباد شد که چنگیز خان آنرا ویران کرد. در 885 هجری (1480 م.) سلطان حسین بایقرا در ین مناطق مصروف جنگ بود و سال آینده به تعمیر مجدد بنای مذکور امر داد و یگانه عامل زینت شهر مزار شریف شد. این بنا در قرن 19 در ضمن مرمت کاری از حد زیاد دست خورد و مخصوصاً اهمیت هنری آن در حصص خارجی از بین رفته است. چون این بنا هم دو گنبد دارد احتمال دارد که اصلاً از روی پلان مصلی گوهر شاد هرات ساخته شده باشد.

از جمله اشخاص دانشمند و فاضلی که عامل شهرت دربار سلطان حسین بایقرا شده بودند هیچ یکی مانند میر علی شیر نوائی معروف و برجسته نبود. این وزیر دانشمند که 370 مسجد، مدرسه، کاروان سرای، شفاخانه، قرائت خانه، و پل برای منافع رفاه عامه آباد کرد، در 904 هجری (1498 م.) تصمیم گرفت که مسجد جامع هرات را مرمت کاری کند. مشارالیه اول از همه گنبدی را که عقب ایوان بزرگ مسجد جامع بود و برای گنبد خطر تولید کرده بود ویران نموده و بهر دو طرف آن دو پایه متین برپا کرد و بهر کدام دو کمان دیگر دو طبقه ئی افزود. سپس با تعمیر منزل دیگر یا با عمران دیوارهای نازک تر روی دیوار های قدیمی، ارتفاع دیوارهای حیاط مسجد را زیاد نمود و بالاخره روی دیوار ها و طاق ها و ایوان ها را کاشی کاری کرد.

این بود خلاصه زحماتی که تیموری ها در آبادی و عمران شهر هرات متحمل شدند. در سال 913 هجری (1507 م.) شهر بدست ازبک های شیبانی افتاد و سه سال بعد شاه اسماعیل صفوی بران دست یافت و از میراث تجدد رنسانس تیموری ها صفوی

یادداشت ها:

- (1) - مناری که به شهر غزنی نزدیک است بتوسط بهرامشاه آخرین پادشاه سلاله غزنوی آباد شده و به غلط تعمیر آنرا به محمود کبیر غزنوی نسبت میدهند و میگویند که بهرامشاه آنرا بیاد لشکر کشی های خویش در هند در حدود (515 - 525) تعمیر نمود. (صفحه 168 سالنامه 1320 مقاله آقای نعیمی). مینار دوم را علاءالدوله ابوسعید مسعود بن ابراهیم غزنوی بیاد فتوحات خویش در هند در حدود سنه 500 هجری آباد نمود. (صفحه 168 سالنامه 1321 مقاله آقای نعیمی). (مترجم)
- (2) - این کوه در هرات بنام کوه گازرگاه یاد میشود. (مترجم)
- (3) - با توسعه شهر جدید بطرف مشرق فاصله گازرگاه از شهر کم شده رفته و حالا بیش از یک میل از شهر جدید فاصله ندارد. (مترجم)
- (4) - این مقبره نزد اهالی هرات به «گنبد سبز» یا «گنبد کبود» یا «مقبره شاهرخ» که عبارت از یکی از نوه های شاهرخ بزرگ است، شهرت دارد. بر علاوه قبر بایسنغر، قبر سلطان احمد بن عبدالطیف بن سلطان عبید بن شاهرخ، قبر علاء الدوله بن بایسنغر، قبر ابراهیم سلطان بن علاء الدوله قبر شاهرخ بن ابوسعید، قبر جوگی میرزا بن شاهرخ در اینجا میباشد. فعلاً مرمت کاری گنبد مذکور از طرف نایب الحکومگی هرات جاری است و در نظر است که آنجا را به موزه آثار اسلامی تحویل دهند. (مترجم)
- (5) - قبر ملکه گوهر شاد در کوسان هرات است. شاید مانند خود شاهرخ بزرگ اول در اینجا دفن شده و بعد ها جسد او را به کوهسان نقل داده باشند و یا اینکه اصلاً و اساساً در کوهسان دفن شده باشد. یک چیز یکه در تشخیص مقابر هرات مشکلات پیش کرده و میکند این است که روی قبر بعضی از بزرگان صندوقچه مکعب از یک پارچه سنگ میساختند و بسا اتفاق افتاده که پارچه سنگ مزار را از یکجا به جای دیگر نقل داده اند و بدین منوال در تشخیص مقابر مشکلات پیش شده است. (مترجم). /نشر مجدد 14 آگست 2011، بنیاد فرهنگی کهزاد/